



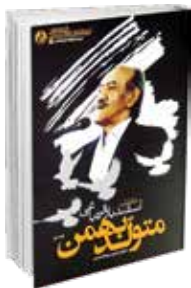
نگاهی به برخی کتاب‌های «راه‌یار» که نوی

حاشیه‌های از منبری و معلم تا خ

می‌شود که بفهمیم قرار است یک زن آن را روایت کند...

متولد بهمن

کتاب متولد بهمن؛ صدای اسفندیار قره‌باغی دیگر این روزها با یک پدیده جهانی پیوند خورده است؛ پدیده استکبارستیزی. این صدا، واسطه و حامل شاخص‌ترین



قطعه موسیقایی ضد استکباری عصر ماست؛ همو که سرود جاودانه «آمریکا ننگ به نیرنگ تو» را در موقعیت خاص سال ۱۳۵۹ خواند تا استکبارستیزان، حنجره‌ای رسا در مواجهه با شیطان بزرگ داشته باشند. کتاب «متولد بهمن» از سری کتاب‌های تاریخ شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی (انتشارات راه‌یار)، حاصل ۲۰ ساعت گفت‌وگوی روح‌آلود رشیدی با اسفندیار قره‌باغی است. در این کتاب، فرازا و مقاطع مهمی از سرگذشت موسیقی ایران از سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ به این سو، در قالب خاطرات استاد قره‌باغی مرور شده است.

یکی دیگر از فصول مهم کتاب، بازخوانی رویدادها و تحركات اهالی موسیقی، همزمان با روزها و شب‌های منتهی به بهمن ۵۷ را شامل می‌شود؛ اما درخشان‌ترین بخش کتاب، آنجاست که اسفندیار قره‌باغی با ورود به مرکز موسیقی صداوسیما، همراه با جمعی از نامداران شعر و موسیقی آن روزگار، به خلق قطعات و آثار پرشکوه و

این اشاره مکرر به شهید سید محمدسعید جعفری، برای کرمانشاهی‌ها معنایی متفاوت داشت؛ معنایی بیش از تجلیل رهبر انقلاب از یکی از شهدای شاخص استان. آقاسعید که رهبر انقلاب با تعبیر «شهید پیشرو و

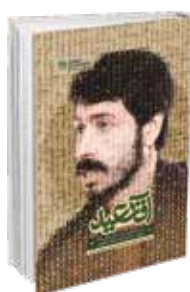
پیش‌تاز» از ایشان یاد کردند، تنها ۳۶ روز پس از آغاز جنگ تحمیلی به شهادت رسید؛ اما عرصه فعالیت‌هایش قبل و بعد از انقلاب چندان گسترده بود و چنان برفضای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی کرمانشاه اثر گذاشت که حتی با گذشت ۴۰ سال از شهادتش، همچنان در یک سوط‌فردانی جدی و در سوی دیگر مخالفانی سرسخت دارد. «آقاسعید بزرگ‌هایی است از زندگی و زمانه شهید سید محمدسعید جعفری.

خانه‌دار مبارز:

خاطرات شفاهی

سیده اقدس حسینیان

مبارزه، فعالیت‌های مخفیانه، تعقیب و گریز، زندان، شکنجه و... همیشه موضوعات جذاب و پرکششی در بیان تاریخ انقلاب اسلامی بوده‌اند و هستند. جذابیت، زمانی دوچندان



اشاره: ایده اولیه دفتر تاریخ شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی را وحید جلیلی پایه‌گذاری کرد و هیچ‌کس گمان نمی‌کرد محصولات فرهنگی این مجموعه در این چند سال تا این حد موفق و خواندنی باشد. کتاب‌هایی که جایشان را در بازار کتاب هم پیدا کردند و حالا دیگر مشتریان ثابت پیدا کرده است. تعدادی از کتاب‌های این دفتر به موضوع انقلاب اسلامی پرداخته که این روزهای مبارک دهه فجر، فرصت مغتنمی است برای بررسی اجمالی آنها. علی‌الحساب این ۱۴ عنوان می‌تواند شما را به شناخت قابل قبولی از حاشیه‌های مهم یک انقلاب بزرگ برساند.

پایان مجسمه:

روزنوشت‌های

انقلاب اسلامی در

کاشان

کتاب «پایان مجسمه» اولین جلد از مجموعه تاریخ‌نگاران انقلاب اسلامی است و جریانات و حالات مردم کاشان را



در روزهای انقلاب روایت می‌کند.

موسی کیخا (متولد ۱۳۲۸ش) نویسنده و روزنامه‌نگار، پیش از انقلاب گزارشگر مبارزات انقلابی مردم منطقه کاشان و آران و بیدگل علیه رژیم ستمشاهی بوده و روزنوشت‌های خود از اتفاقات سال‌های پایانی عمر رژیم سابق را در این کتاب به رشته تحریر درآورده است. آخرین گزارش‌ها از این اتفاقات که نماد سقوط رژیم سابق است، سقوط مجسمه‌های شاه سابق ایران در میادین شهرها بود که این مجسمه در کاشان در میدان ۱۵ خرداد فعلی وجود داشت و در روزهای آخر عمر رژیم سابق و منتهی به انقلاب توسط مردم سقوط کرد.

خون می‌گذشت

«خون می‌گذشت» مستندی است داستانی براساس زندگی حاج محمدآقا رسول‌زاده از افراد و مبارزان سرشناس انقلاب در کاشان است. او بعد از آشنایی با شهید نواب صفوی، شاخه فداییان اسلام کاشان را راه انداخت. سال ۱۳۴۲ اتوبوسی راه انداخت و با مردم کاشان به تشییع پیکر آیت‌الله بروجردی رفتند. بعد از تشییع، در مسیر برگشت به کاشان به همه می‌گوید: «از این به بعد من مقلد آیت‌الله خمینی هستم». و این تصمیم آغاز مبارزات پرفراز و نشیب «حاج محمدآقا» در کاشان است.

محرم همان سال، امام خمینی (ره) طلبه‌ها را برای تبلیغ به شهرهای مختلف می‌فرستد و به طلبه‌هایی که عازم کاشان بودند، می‌گوید: «اگر از علما جواب نگرفتید، بروید بازار پیش رسول‌زاده».

حاج محمدآقا در هر برهه‌ای کنش داشت و نقش ایفا می‌کرد؛ نمی‌توانست ساکت بنشیند. در برهه‌های مهم مانند مبارزات علیه رژیم پهلوی به پشتیبانی امام خمینی قد برافراشت. بیشتر کاشانی‌ها که سن و سال‌شان قد می‌دهد با «حاج محمدآقا رسول‌زاده» خاطره دارند...

آقاسعید

مقام معظم رهبری در سفر به استان کرمانشاه، در مهر ۹۰، سه بار به شهید سید محمدسعید جعفری اشاره کردند.

انقلابی‌ها

درباره کتاب خانم مربی

روحیه پرورشی در زنان



فاطمه شایان‌پویا

نویسنده

این روزها که کم‌کم آثار خلأ حضور پررنگ نیروهای پرورشی و امور تربیتی در مدارس را در کوچه و خیابان شهر می‌بینیم، باور نمی‌کنیم چقدر جای این کتاب و کتاب‌های مشابه آن در کتابخانه‌ها و الگوهای ایده‌یابی و دستورالعمل‌های اجرایی مربیان مدارس و حتی خانه‌ها و ذهن زنان بانوان کشورمان خالی است. کتاب برای من مثل حلقه مفقوده‌ای بود که مدت‌ها تشنه و پر از دغدغه برای پیشبرد کارهایم به دنبال آن می‌گشتم.

کتاب از لحاظ فرم، مدل بسیار ساده و کلاسیکی داشت و با دیاگراف‌های پرسش و پاسخ تنظیم شده بود که با وجود انتقاد به سبک نگارش و پیشنهاد برای بهتر و جذاب‌تر شدن آن نقطه قوت بسیار بزرگی دارد و آن، وجود سوالات درست، جزئی و بیجا در روند مصاحبه و پیشبرد هدف و ارتقای محتوای آن بود؛ به نحوی که خواننده به هیچ وجه حس خستگی و یکنواختی و زائد بودن سوالات را نداشت. محتوای کتاب، بسیار غنی و تحسین‌برانگیز و انگیزه‌ساز بود. شخصیت پویا و تجربیات ناب و خلاقانه و متعهدانه



خانم سعیده صدیق‌زاده که نقش همسری و مادری و معلمی را در کنار هم داشته و از کودکی تا حال، کسب این تجربیات را شروع و پخته و غنی‌تر و پرمایه‌تر کرده و تاثیر مثبتی که بر شخصیت، دیدگاه و روش زندگی هزاران دانش‌آموز در این سال‌ها داشته، الگوی مناسبی برای قشر وسیعی از زنان و دختران کشور عزیزمان ایران است. نکته مهمی که در کتاب به آن اشاره شده بود، قدرت و لزوم وجود روحیه پرورشی در انسان و به خصوص در زنان بود. روحیه‌ای که صرفاً در قالب کار در یک مدرسه و برای یک مقطع تحصیلی نمی‌گنجد بلکه در تمام ابعاد زندگی و برای تمام نقش‌های فردی و اجتماعی لازم است. با خود فکر می‌کنم که ایکاش از زندگی این بزرگوار، محصولات رسانه‌ای بیشتری مثل فیلم و سریال و مستند و رمان تهیه شود تا تاثیر این تفکر و روحیه، در ذهن خفته همه مخاطبان بیدار شود. پرداختن و بیان شیوه‌های جالب و آهنگین خانم صدیق‌زاده در آموزش قرآن و مباحث اعتقادی و ارزشی، ایده‌های تک و ابتکاری ایشان در ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر و همچنین با دانش‌آموزان دیگر مدارس خصوصاً مدارس محروم و برخورد صحیح با آنان و شیوه‌های ناب همدردی درست و کمک‌رسانی همراه با حفظ مناعت طبع آنان، شیوه‌های متفاوت و جذاب درآمدزایی و کمک‌رسانی به جبهه و جنگ و پررنگ کردن فرهنگ جنگ و مقاومت و شهادت برای دانش‌آموزان، همه از نکات برجسته کتاب بود؛ نکاتی که به تجربه، جریان‌ساز بودن کار فرهنگی تمیز را ثابت می‌کند. جریانی که نیاز ضروری یک جامعه انقلابی پویاست. به امید روزی که همه ما زنان در هر جبهه‌ای که هستیم، یک «خانم مربی» باشیم. □